

از سالها پیش تا به امروزه بارها این سخن را میشنویم : اگر ملت ایران خود برای دموکراسی برخیزد دولت آمریکا نیز به آنان کمک خواهد کرد . !!

حال که سالها گذشته و مردم ایران به این سخن آری نگفتند و صدای آمریکا نیز در جواب به درخواست کمک مردم ایران و استدعا نمودن مردم از رهائی آنان از این جلادان، چنین میگوید : ما نمی توانیم

این گفته چه معنایی دارد ؟ چرا امروز برخی به شاهزاده رضا پهلوی حمله می کنند؟ آیا نباید از دولتمردان آمریکائی دلگیر شد که طبل حقوق بشر در دست داشته و شاهد نابودی مردم ایران هستند؟ و می گویند : بگو " دموکراسی ناب غریبی " تا من نگم

Sorry

آیا با چنین مقاومتی از سوی دولتمردان آمریکا بر ضد سلطنت میتوان توقعی دیگر داشت؟

بنده با این نیمچه عقلم در این تصور هستم که دولت آمریکا میدانند که مردم ایران دیگر دل خوشی به هیچ نوع انقلابی چه از نوع مشروطه ، ملی ، اسلامی ، دموکراسی ، نارنجی ، مخملی ووووو را ندارند و حاضر نیستند بار دیگر بازیچه دست دیگران شوند .

این زنگ خطر بزرگی برای جهانداران امروزی می باشد، زیرا اگر رای مردم ایران به چشم مردم جهان برسد دیگر هیچگونه جان فشانی در راه نابودی ایران نمی توانند بکنند. از اینرو امروز برخی افراد یا ماموران یا هر چیز دیگر ، خود دست به درست کردن سایتهای اینترنتی زده اند و مصدق را وزیر انتخاب شده به دست مردم به جهانیان جلوه میدهند و می گویند اگر ما در رستاخیز ملی 28 مرداد دست نداشتیم روند دموکراسی خواهی ایران مسیر خود را طی نموده و لازم به حطور نظامی امروز ما نمی شد . البته آنان با بی شرمی آن را کودتا 28 مرداد مینامند. اما چه روند دموکراسی خواهی ؟ مردم ایران از شروع مشروطه جای دوست و دشمن خویش را عوض کردند. مردمیکه با این انقلاب تنها قدرت آخوندها و فتوادان و یاغیان را بیش از پیش بیشتر می کنند و شاهیکه حتی در تهران نیز قدرت نداشت را قدرتش را مشروطه می کنند تا کشور به بدترین مرحله نابودی برسد. آنزمان که دستی از غیب پدید می آید و با تمام این یاغیان می جنگد و کشور را از نابودی نجات میدهد تا اینکه کسی به نام مصدق پیدا میشود و مخالف به سلطنت رسیدن رضا شاه بزرگ میشود. در صورتیکه دیگر ایراندوستانی که به پوچ بودن انقلاب مشروطه و نتایج آن پی برده بودند رضا شاه بزرگ را به سلطنت می رسانند و پس از آن بود که کشور باری دیگر چهره آبادی به خود میگیرد. این بهبودی اوضاع کشور ادامه می یابد تا متفقین به ایران حمله کرده و بار دیگر مشروطه را به کشور بر گردانده و فردی مانند مصدق نیز اینبار ظهور میکند که کشور در تمام دوره زمام داری او در حکومت نظامی بود . زیرا به یمن ماده اول و دوم قانون اساسی مشروطه ، بار دیگر دیو بزرگی به نام آخوند قد برافراشته و دست به ترور میزند و یاغیان زمان مشروطه نیز ، اینبار به نام احزاب پا به میدان گذاشته . بار دیگر مردم کشور متوجه شده که تنها شاه است که میتواند آنان را از این هرج و مرج نجات دهد و دست به رستاخیز ملی 28 مرداد میزند. متاسفانه این روند در سال 57 بار دیگر پدیدار شد و امروز از گوشه و کنار سخن مشروطه دوم می شنویم و بسیار سخنان دیگر.

برخی فراموش کرده اند ، اپوزیتسیون 28 ساله، کم خاصیتی را، که تنها توانست رژیم پادشاهی را سرنگون کند ! برخی افراد امروز دشمن شاهزاده رضا پهلوی میشوند. آیا نمی بینید چگونه دولت آمریکا دست اپوزیتسیون و هر کسیکه دموکراسی دموکراسی کند را باز گذاشته و به او یک ماهواره میدهد تا سخنان بیهوده خویش را پخش کنند ولی مقابل هر سلطنت طلبی ایستاده است و جلوی پخش صدای او را می گیرد؟

شاید شما عزیزان در این گذری کوتاه بر وقایع تاریخی کشور ما ، موقعیت هر کسی را بدرستی بیابید و با تاریخ گذشته ما مقایسه کنیدو بدانید امروز چه کسی رل مصدق و چه کسی رل کاشانی و چه کسی نواب صفی وووو را بازی می کند . زیرا سناریو هیچ تغییری نکرده است، داستان و سیر نابودی کشور از صد سال گذشته تا کنون یکی بوده.

هموطنان عزیز ، ایران در طول تاریخ همیشه انعکاسی از دموکراسی، بهتر از " دموکراسی ناب غریبی " داشته و خواهد داشت به شرط آنکه آقایان به اصطلاح روشنفکر بار دیگر با استفاده از شعار فساد اخلاقی ، عامه مردم را فریب ندهد. دلایل اثبات آن نیز مانند ظهور آخوند در دوران ساسانی و شکست سلطنت محمد رضا شاه پهلوی.

(دادن آزادی به زنان ، انقلاب سفید شاه و مردم ،ووووو که تمام این موارد پایه های اصلی سوسیال دموکراسی است که برای روشنفکران سیه دل ،فساد اخلاقی به حساب می آمد.).

اگر هر بار که فرخ زادی را می کشتند ، 10 فرخ زاد دیگر جای او را می گرفت امروز عرق شرم بر پیشانی همان اپوزیسیونی می نشست که رژیم شاهی ایران را سرنگون کرد. هموطن برخیز، همت کن و حقایق را بین و به دیگران بازگو کن.